

خبر

مسکو:

می‌دانیم تاماهاکا ها را چطور سرنگون کنیم

مقامات ارشد وزارت امور خارجه و مجلس دومی روسیه با هشدار درباره پیامدهای بزرگ عرضه موشک‌های کروز دوربرد تاماهاکا به اوکراین، تاکید کردند روسیه به خوبی شیوه عملکرد و سرنگونی این موشک‌ها را می‌داند و عرضه این موشک‌ها تغییری در وضعیت میدان ایجاد نخواهد کرد.

به گزارش ایسنا، «سرگئی ریابکوف» معاون وزیر امور خارجه روسیه روز چهارشنبه گفت که احتمال انتقال موشک‌های تاماهاک به اوکراین از سوی آمریکا تغییر قابل توجهی در وضعیت خواهد بود.

پیشت، «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهور روسیه هشدار داده بود که انتقال موشک کروز دوربرد تاماهاکا به اوکراین از سوی واشنگتن منجر به از بین رفتن روابط آمریکا و روسیه با حداقل روندهای مثبت در آن خواهد شد.

طبق گزارش ریائونوستی، ریابکوف در جمع خبرنگاران گفت: رئیس‌جمهور روسیه گفته است که این اقدام تنش‌زای بسیار جدی است. در واقع، ظهور چنین سامانه‌هایی به معنای تغییرات قابل توجهی در وضعیت خواهد بود. اما این تأثیری بر عزم ما در دستیابی به اهدافمان نخواهد داشت.

معاون وزیر امور خارجه روسیه گفت که انگیزه‌های ایجادشده در زمینه صلح اوکراین پس از نشست پوتین و «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا در آلسکا به وسیله اقدامات اروپایی‌ها تضعیف شد.

این دیپلمات ارشد روس بیان کرد که استفاده فرضی از موشک‌ها و پرتابگرهای تاماهاک تنها با مشارکت مستقیم کارکنان آمریکایی امکان‌پذیر است.

ریابکوف افزود: امیدوارم کسانی که واشنگتن را ترغیب می‌کنند این تصمیم را اتخاذ کند، به خوبی به عمق پیامدهای شگرف آن واقف باشند.

ما مسلما از حاکمیت و ارتش آمریکا می‌خواهیم هوشارانه، معقول و مسئولانه به این وضعیت به طور کلی بپردازد.

تدرید آمریکا در ارسال موشک‌های تاماهاکا به

اوکراین

روزنامه تلگراف طی روزهای گذشته به نقل از منابع آگاه در گزارشی نوشت: «ولودیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین در جریان دیداری پشت درهای بسته در حاشیه هشتادمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد با «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا درخواستی را مبنی بر دریافت موشک‌های کروز دوربرد تاماهاوک عنوان کرده است.

هنوز مشخص نیست که آیا اوکراین این سلاح‌ها را دریافت خواهد کرد یا خیر.

رئیس‌جمهور آمریکا، گفته است که می‌خواهد بداند قبل از موافقت با تأمین موشک‌های تاماهاوک ساخت آمریکا، اوکراین چه برنامه‌ای برای انجام این کار دارد، زیرا نمی‌خواهد جنگ روسیه علیه اوکراین را تشدید کند.

ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، از آمریکا خواسته است تا تاماهاوک‌ها را به کشورهای اروپایی که آنها را به اوکراین می‌فرستند، بفروشد. موشک‌های تاماهاکا برپی معادل ۲ هزار و ۵۰۰ کیلومتر (هزار و ۵۵۰ مایل) و کلاهک جنگی ۴۵۰ کیلوگرمی دارند و در صورت اعطای آن‌ها به کی‌یف،

مسکو در برد درازخانه اوکراین قرار می‌گیرد.

ترامپ در پاسخ به سوال خبرنگاران در کاخ سفید که آیا در مورد تأمین تاماهاوک‌ها به اوکراین تصمیم گرفته است، این موضوع را رد نکرد و گفت که «تا حدودی تصمیم گرفته است». او افزود «فکر می‌کنم می‌خواهم بفهمم با آن‌ها چه می‌کنند. چند سوال می‌پرسم. دنبال تشدید آن جنگ نیستم.» یک مقام اوکراینی و یک منبع نزدیک به دولت اوکراین گفتند که آنها نمی‌دانند تصمیم ترامپ چیست.

منبع نزدیک به دولت اوکراین گفت که مقامات دولت ترامپ در هفته‌های اخیر نگرانی‌هایی را در مورد اینکه آیا ایالات متحده می‌تواند استفاده از موشک‌ها توسط اوکراین را پس از خرید و پرداخت هزینه آنها توسط کشورهای ناتو کنترل کند، ابراز کرده‌اند.



ایران و جهان

به گزارش فرارو به نقل از روزنامه القدس العربی، به همین ترتیب، در پی یافتن ترجمه‌ای برای «اسنپ بک» برآمدم و همان مسیر را در مورد اصطلاح «اسنپ بک» نیز پی‌بومدم. جست‌وجویی که ساده نبود و مرا از سطح زبان تا لایه‌های پنهان معنا برد. در پایان، به عبارتی رسیدم که به گمانم بیشترین نزدیکی را با مفهوم نهفته در تصمیم جدید اتحادیه اروپا علیه ایران دارد: تصمیمی که واژه « اسنپ بک» را دوباره در

کانون مباحث دیپلماتیک قرار داد

از انجماد تا چانه‌زنی پنهان؛ معنای دوگانه بازگشت به نقطه صفر
این تعبیر، مرا به‌راستی شگفت‌زده کرد؛ زیرا «بازگشت به نقطه صفر» را می‌توان از دو منظر کاملاً متفاوت نگریست. در نگاه نخست، این عبارت نشانه‌ای از اتخاذ موضعی سخت‌گیرانه و قاطع است؛ موضعی که بیانگر از میان رفتن اعتماد به فرد، عملکرد یا توافقی پیشین است. چنین برداشتی از لحن و محتوای بیانیه وزارت خارجه فرانسه نیز برمی‌آید؛ بیانیه‌ای که دلایل سه کشور اروپایی یعنی فرانسه، بریتانیا و آلمان را برای بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران توضیح می‌دهد و بر رویکردی بدون انعطاف تأکید دارد.

گفته می‌شود دیپلماسی هم ظاهر دارد و هم باطن؛ و گاه باطن دیپلماسی تأثیری ژرف‌تر از ظاهر آن بر روند امور برجای می‌گذارد. شاید برخی از ناظران «اسنپ‌بک» را سازوکاری صرفاً تئیبیی بدانند که به توقف، انجماد و انسداد مسیر گفت‌وگو می‌انجامد؛ اما تجربه نشان داده است که در عرصه سیاست بین‌الملل، ظاهر انجماد و سکون، لزوماً با باطن خود یکی نیست. پشت این سکوت ظاهری، ممکن است حرکتی پنهان، چانه‌زنی‌ای آرام یا تغییری تدریجی در موازنه قدرت جریان داشته باشد؛ حرکتی که تنها زمان می‌تواند چهره واقعی آن را آشکار کند.

«حاشیه مانور» یا بن‌بست؟ بررسی فضای تازه دیپلماسی ایران و اروپا
در اینجا بی‌گمان باید به اصلی بنیادین در «دیپلماسی پنهان» بازگردیم: گرهای پرونده‌ها را همواره دیپلماسی پشت‌پرده می‌گشاید. اما ماجرا به این‌جا محدود نمی‌شود؛ زیرا ویژگی‌های کار دیپلماتیک در پرونده ایران اساساً با الگوهای سنتی دیپلماسی تفاوتی ریشه‌ای دارد. دلیل اصلی این تفاوت آن است که «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام)، برخاسته از توافق وین، هرگز آن‌گونه که از آغاز طراحی شده بود، اجرایی نشد.

سخن من نه از نقض ایران در میزان مجاز غنی‌سازی است و نه از اتهاماتی که ایران متقابلاً علیه آن اقدام کرده است، بلکه می‌خواهم به این موضوع بپردازم: چرا در این شرایط، دیپلماتیک به‌جای آنکه ابزاری برای حل و فصل باشد، به ابزاری برای تشدید تنش تبدیل شده است؟

سختی اصلی در این معادله، فقدان یک چارچوب مشترک و اهداف مشخص است. هر دو طرف، بدون توافق بر روی اصول اساسی، در حال بازی با توپ در زمین دیگری هستند.

این وضعیت، به جای آنکه منجر به گفت‌وگو و حل مسئله شود، به یک بازی مداوم با توپ در زمین دیگری تبدیل شده است. این بازی، به جای حل مسئله، به تشدید تنش و ایجاد مانع برای هرگونه پیشرفت منطقی منتهی شده است.

پس از وقفه چهارماهه در مذاکرات تهران و واشنگتن پس از آنکه تهاجم نظامی اسرائیل در میانه گفت‌وگوها دیپلماسی را به پستو برده، ترامپ می‌گوید سیگنال‌های قوی از ایران دریافت کرده است که ممکن است بیش از صلح غزه، به صلحی فراتر در خاورمیانه بینجامد. امید حسنی در برنا می‌نویسد: گرچه ترامپ توضیح بیشتری درباره این علامت مثبت از سوی تهران نداد اما گمانه‌ها بر این بود که احتمالاً بیانیه وزارت خارجه ایران استقبال از هرگونه صلح در منطقه و نجات فلسطینیان از کرسنگی و ویرانی فعلی مورد اشاره قرار گرفته است. ترامپ در چند اظهارنظر دیگر در میان خبرنگاران یا فضای مجازی از واژه صلح فراگیر در خاورمیانه سخن گفت، موضوعی که به نظر می‌رسد عامدانه مورد تأکید قرار می‌گیرد.

بهرغم اینکه ایران اعلام می‌کند تماس‌ها با ویتکاف همچنان ادامه دارد، اما آنچه که پیش از مجمع عمومی سازمان ملل اتفاق افتاد روایت دیگری را نشان می‌دهد. هفته گذشته سخنانی دولت اعلام کرد، تهران، مقام‌های اروپایی و ویتکاف قرار بود در یک نشست مشترک به طور مستقیم دیدار و گفت‌وگو کنند تا بتوانند درباره موضوعات هسته‌ای، بازرسی‌ها و مسئله فعال‌سازی مکانیسم ماشه رایزنی داشته باشند، اما به گفته فاطمه مهاجرانی، ویتکاف حاضر به حضور در این جلسه‌شد.

اما سه‌شنبه شب روزنامه الجریده کویت ادعا کرد ویتکاف و عراقچی در تماسی با یکدیگر برای دور جدید از گفت‌وگوها آماده می‌شوند، موضوعی که هنوز از سوی دو طرف به طور رسمی تأیید نشده است. بر اساس این ادعا، منبعی آگاه در وزارت خارجه ایران به روزنامه «الجریده» فاش کرد که در روزهای اخیر تماس‌هایی میان عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، و استیو ویتکاف، فرستاده آمریکا در منطقه، انجام شده است. این تماس‌ها درباره ازسرگیری مذاکرات میان دو کشور بر سر پرونده هسته‌ای ایران بوده؛ مذاکراتی که پس از حمله اسرائیل به ایران در ماه ژوئن گذشته متوقف شد، حمله‌ای که در آن ایالات متحده نیز با تهاجم نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران مشارکت داشت و در نهایت،



www.cbtekarnews.com

از انجماد تا چانه‌زنی پنهان؛ معنای دوگانه بازگشت به نقطه صفر

توپ در زمین کیست؛ ایران یا اروپا؟

همیشه و شاید بتوان گفت تا ابد هرگاه واژه‌ای بیگانه در زبانی به کار رود که با آن بیگانه است، من بی‌اختیار در پی یافتن ترجمه‌ای برایش می‌گردم. چنین وسواسی از آن‌رو نیست که فرهنگ‌های لغت پاسخ‌روشنی در اختیار نمی‌گذارند؛ بلکه از آن‌جاست که جست‌جوی ترجمه، خود نوعی بازگشت به ریشه واژه در زیان مبدأ است؛ تلاشی برای پرهیز از کاشت واژه‌ای بیگانه در خاک زبانی که به آن تعلق ندارد.



نیز در جریان بود که همه از آن آگاه بودند و اتحادیه اروپا آرزو داشت در واقعیت روی نهدم. آن رویداد «جنگ دوازده‌روزه» بود. بااین‌حال، رویکرد آمریکا در برخورد با پرونده ایران با رویکرد اروپا تفاوتی بنیادین دارد. حتی اگر اصل «اسنپ‌بک» تاکنون نتیجه‌ای نداشته، نمی‌توان گفت فلسفه مذاکره اروپایی نیز بی‌ثمر بوده است. کشورهای اروپایی امضاکننده توافق وین، همچنان بر اصول شناخته‌شده‌ای پایبند مانده‌اند:

الف - گشودن دور تازه‌ای از مذاکرات برای دستیابی به توافقی جدید؛
ب - تضمین بازگشت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به سایت‌های غنی‌سازی؛
ج - تأمین شفافیت کامل درباره میزان اورانیوم غنی‌شده.

دیپلماسی در سایه و صحنه؛ راز ادامه بازی میان ایران و اروپا

در اینجا مایلم در چارچوب تکراری «بازی حماق و هویج» فراتر بروم؛ همان فرمولی که ژان نوئل بارو، وزیر خارجه فرانسه، با عبارت «توپ در زمین

سیگنال تهران و تفسیرهای واشنگتن

گفت‌وگوهای شرم‌الشیخ، پنج‌ره مذاکرات تهران و واشنگتن را می‌گشاید؟

پس از وقفه چهارماهه در مذاکرات تهران و واشنگتن پس از آنکه تهاجم نظامی اسرائیل در میانه گفت‌وگوها دیپلماسی را به پستو برده، ترامپ می‌گوید سیگنال‌های قوی از ایران دریافت کرده است که ممکن است بیش از صلح غزه، به صلحی فراتر در خاورمیانه بینجامد.

امید حسنی در برنا می‌نویسد: گرچه ترامپ توضیح بیشتری درباره این علامت مثبت از سوی تهران نداد اما گمانه‌ها بر این بود که احتمالاً بیانیه وزارت خارجه ایران استقبال از هرگونه صلح در منطقه و نجات فلسطینیان از کرسنگی و ویرانی فعلی مورد اشاره قرار گرفته است. ترامپ در چند اظهارنظر دیگر در میان خبرنگاران یا فضای مجازی از واژه صلح فراگیر در خاورمیانه سخن گفت، موضوعی که به نظر می‌رسد عامدانه مورد تأکید قرار می‌گیرد.

بهرغم اینکه ایران اعلام می‌کند تماس‌ها با ویتکاف همچنان ادامه دارد، اما آنچه که پیش از مجمع عمومی سازمان ملل اتفاق افتاد روایت دیگری را نشان می‌دهد. هفته گذشته سخنانی دولت اعلام کرد، تهران، مقام‌های اروپایی و ویتکاف قرار بود در یک نشست مشترک به طور مستقیم دیدار و گفت‌وگو کنند تا بتوانند درباره موضوعات هسته‌ای، بازرسی‌ها و مسئله فعال‌سازی مکانیسم ماشه رایزنی داشته باشند، اما به گفته فاطمه مهاجرانی، ویتکاف حاضر به حضور در این جلسه‌شد.

اما سه‌شنبه شب روزنامه الجریده کویت ادعا کرد ویتکاف و عراقچی در تماسی با یکدیگر برای دور جدید از گفت‌وگوها آماده می‌شوند، موضوعی که هنوز از سوی دو طرف به طور رسمی تأیید نشده است. بر اساس این ادعا، منبعی آگاه در وزارت خارجه ایران به روزنامه «الجریده» فاش کرد که در روزهای اخیر تماس‌هایی میان عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، و استیو ویتکاف، فرستاده آمریکا در منطقه، انجام شده است. این تماس‌ها درباره ازسرگیری مذاکرات میان دو کشور بر سر پرونده هسته‌ای ایران بوده؛ مذاکراتی که پس از حمله اسرائیل به ایران در ماه ژوئن گذشته متوقف شد، حمله‌ای که در آن ایالات متحده نیز با تهاجم نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران مشارکت داشت و در نهایت،

اتحاد علیه رئیس‌جمهور؛ متحدان ماکرون هم پشتش را خالی کردند «ادوار فیلیپ» سیاستمدار برجسته راست میانه‌روی فرانسه که به عنوان اولین نخست‌وزیر در دولت ماکرون خدمت کرد، می‌گوید: «این بحران به منزله سقوط کل دولت است. این چیزی است که من به آن معتقدم.»
چرخه شوم قدرت در فرانسه
به نوشته وال استریت ژورنال، استعفای روز دوشنبه «سپاستین لوکورنو»، چهارمین نخست‌وزیر منصوب‌شده توسط ماکرون در عرض تنها یک سال، این احساس را تقویت کرد که فرانسه وارد یک «چرخه شوم» شده است. او نیز همچون نخست‌وزیران مستعفی قبلی بر سر مسائل بودجه و هزینه‌ها با قانونگذاران پارلمان به اختلاف برخورد و نتوانست این قانونگذاران را پیرامون طرح مالی خود که قرار بود از حجم کسری‌ها بکاهد، متحد کند و نهایتاً در حالی که عمر نخست‌وزیری‌اش به یک ماه نرسیده بود و در لحظه‌ای که قرار بود کابینه‌اش را تشکیل دهد، تسلیم فشارهای سیاسی شده و استعفا داد. ادوار فیلیپ روز سه‌شنبه همگام با دیگر رهبران ارشد جناح‌های سیاسی فرانسه درخواست کرد این بار خود ماکرون باید قبل از پایان یافتن دوره ریاست جمهوری‌اش در ۲۰۲۷ استعفا دهد. فیلیپ که قصدش برای نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری را اعلام کرده، گفت: «ماکرون باید نخست‌وزیر جدیدی را منصوب کرده تا با فوریت بودجه‌ای تصویب کرده و بلافاصله بعد از آن نیز انتخابات ریاست جمهوری زودهنگام را سازماندهی کند.»

از انحلال پارلمان تا انزواي کامل؛ ماکرون در تنگنای سیاسی
در مقابل اما ماکرون از کناره‌گیری خودداری کرده و در عوض آن سایه زده‌پدش

پنجشنبه ۱۷ مهر ۱۴۰۴ / شماره ۶۰۲۰

اخبار

حاشیه‌سازی روزنامه زرد کویتی درباره رایزنی عراقچی و ویتکاف

رسانه زرد کویتی بار دیگر خبری جعلی درباره روابط ایران و آمریکا منتشر کرد.

به گزارش ایسنا، روزنامه کویتی «الجریده» که سابقه طولانی در خبرسازی و انتشار خبرهای غیرواقعی و بعضاً مضحک درباره ایران دارد، بار دیگر به عادت قدیمی خود روی آورده است.

الجریده اخیراً ادعا کرده که «استیو ویتکاف» مذاکره‌کننده ارشد آمریکایی در تماسی با «سید عباس عراقچی» وزیر امور خارجه ایران، از تهران خواسته از طرح «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا برای پایان دادن به جنگ غزه حمایت کند.

این رسانه کویتی همچنین مدعی شده که احتمالاً هفته آینده چند نشست محرمانه میان تهران و واشنگتن در عمان یا قطر برگزار خواهد شد.

این ادعاها با واکنش قاطع وزیر امور خارجه ایران مواجه شد.

عراقچی در حاشیه جلسه هیأت دولت، در پاسخ به پرسشی درباره ادعای تماس با ویتکاف اظهار کرد: «تکذیب می‌کنم. چنین تماسی برقرار نشده‌است.»

از جمله ادعاهای نادرست پیشین الجریده می‌توان به خبری در سال گذشته و پس از ترور شهید «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران اشاره کرد که مدعی شده بود یک هیأت امنیتی آمریکایی با میانجیگری عمان به ایران سفر کرده تا پیامی با مضمون «ارامش و همدار» به تهران منتقل کند.

در عجیب‌ترین و مضحک‌ترین بخش این گزارش، الجریده ادعا کرده بود که هیأت آمریکایی فهرستی از «اسامی ۱۰ نفر از عوامل موساد» در ایران را که به ادعای آمریکایی‌ها به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در ترور شهید هنیه نقش داشته‌اند، به‌عنوان حسن نیت به طرف ایرانی ارائه کرده است.

این ادعا البته از سوی کاخ سفید تکذیب شد و مقامات ایرانی هم گفتند ادعاهایی از این دست به قدری مضحک و غیرواقعی است که ارزش تکذیب‌کردن هم ندارد.

انتشار اخبار جعلی و حاشیه‌ساز درباره ایران، به‌ویژه در مورد روابط تهران و واشنگتن، در کارنامه این روزنامه کویتی مسبوق به سابقه است. این‌گونه گزارش‌های نادرست، اعتبار الجریده را به‌شدت مخدوش کرده، اما متأسفانه برخی سایت‌ها و کانال‌های خبری در ایران همچنان بدون توجه به سابقه این رسانه، اقدام به بازنشر اخبار زرد آن می‌کنند.

امضای سند همکاری بین نیروی دریایی چهار کشور ساحلی خزر
اجلاس فرماندهان نیروی دریایی ارتش کشورهای ساحلی دریای خزر با امضای سند همکاری‌های جامع راهبردی در این پهنه آبی پایان یافت.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی ارتش، نیروی دریایی چهار کشور ساحلی خزر سند همکاری راهبردی امضاء کردند. این سند امروز (چهارشنبه) به امضای فرماندهان نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، فرانسویون روسیه، قزاقستان و جمهوری آذربایجان رسید. امیر دریادار «شهرام ایرانی» فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران که برای شرکت در این اجلاس به سن‌پترزبورگ سفر کرده است، به نمایندگی از کشورمان این سند را امضاء کرد. این سند در راستای اراده مقامات عالی کشورهای ساحلی دریای خزر مبنی بر تحکیم و تقویت مناسبات همه‌جانبه به‌ویژه در زمینه امنیت پایدار در این پهنه آبی به امضاء رسید. براساس مفاد این سند، هیچ کشور بیگانه یا قدرت فرامطعقه‌ای اجازه مداخله در امور داخلی دریای خزر را نخواهد داشت.

فرماندهان نیروی دریایی ارتش کشورهای ساحلی خزر تاکید کردند: این دریا متعلق به پنج کشور ساحلی است. بر این اساس، تأمین امنیت و مسائل مرتبط با دریای خزر، تنها با تصمیم کشورهای ساحلی انجام می‌شود.

امیر دریادار ایرانی که شامگاه یکشنبه وارد سن‌پترزبورگ شده است، روز دوشنبه از دو موزه نیروی دریایی ارتش روسیه در سن‌پترزبورگ بازدید و روز سه‌شنبه در اجلاس فرماندهان نیروی دریایی ارتش کشورهای ساحلی خزر حضور پیدا کرد. دیدار و مذاکره با فرماندهان نیروی دریایی ارتش روسیه، جمهوری آذربایجان و قزاقستان از دیگر برنامه‌های وی در سن‌پترزبورگ بود.

وقتی متحندان هم به او پشت می‌کنند

پایان راه ماکرون؟

به تکرار انحلال پارلمان و اعلام انتخابات زودهنگام پارلمانی را حفظ کرده تا قانونگذارانی که به باور وی عمدتاً نمایلی به رویارویی با رای‌دهندگان ندارند را مجبور به مذاکره کند. او به لوکورنو، تازه‌ترین نخست‌وزیر مستعفی، دستور داده تا عصر امروز (چهارشنبه) با احزاب سیاسی اعلام کرده و تلاشی دیربهرنگام را برای انعقاد توافقی با مجلس ملی برای آنکه کسری بودجه کشور را مهار کند، داشته باشد؛ کسری بودجه‌ای که سال گذشته ۵.۸ درصد بود.

ماکرون از واقعیات سیاسی به دور است

روزنامه آمریکایی در ادامه این مطلب استدلال می‌کند بخشی از مشکل رئیس‌جمهور فرانسه این است که «از اختیارات منصب خود به نحوی استفاده می‌کند که از واقعیات سیاسی قرن بیست و یکم به دور است.» ژنرال «شارل دو گل» فرمانده قهرمان فرانسه در زمان جنگ جهانی دوم و معمار جمهوری پنجم در این کشور، ریاست جمهوری را طوری طراحی کرد که به پشتیبانی اکثریتی در مجلس ملی بتواند حکومت کند. در صورتی که مجلس ملی فرانسه با رئیس‌جمهور تقابل پیدا کند، او می‌تواند برای برگزاری انتخابات زودهنگام درخواست داده و انتظار داشته باشد تا یک اکثریت جدید از دل یکی از ۲ جناح سیاسی اصلی تشکیلات، یعنی محافظه‌کاران و سوسیالیست‌ها که معمولاً به طور سنتی یکی از آنها پیروز انتخابات می‌شوند، بیرون بیاید. ماکرون در چشم‌انداز سیاسی بسیار متفاوتی عمل می‌کند. احساسات ضد تشکیلاتی در سراسر غرب منجر به خیزش احزاب یوپولیست از جمله حزب راست افراطی مارین لوپن موسوم به حزب اجتماع ملی و حزب چپ افراطی ژان-لوک ملانشون شده است. زمانی که امانول ماکرون در تابستان ۲۰۲۴ دست به



انحلال مجلس ملی زد، رای‌دهندگان در انتخابات زودهنگام چند دسته‌ترین پارلمانی که در تاریخ جمهوری پنجم فرانسه تاکنون روی کار آمده را برگزیدند.

همچنین در اتفاقی بی‌سابقه، حزب مارین لوپن توانست بیشتر از هر حزب دیگری در انتخابات کرسی کسب کند، هر چند که کرسی‌هایش برای آنکه حائز اکثریت بشود کافی نبودند. در مقابل کرسی‌های ماکرون و متحدانش آب رفت و به ۱۶۱ کرسی از مجموع ۵۱۷ کرسی مجلس ملی فرانسه رسید. کرسی‌های باقی مانده نیز نصیب محافظه‌کاران تشکیلاتی و احزاب چپ‌گرایی که شامل حزب ژان-لوک ملانشون بودند، شدند.